

مسئولیت‌پذیری در به کارگیری جنگ افزارهای رباتیک مستقل^۱

عباس بصیری^۲

چکیده

در دهه‌ی اخیر استفاده از جنگ افزارهای رباتیک به طور چشم‌گیری افزایش پیدا کرده است، به طوری که مناقشات مسلحانه آینده را به استفاده فزاینده و متکی بر ربات‌های نظامی توصیف می‌کنند. توسعه این جنگ افزارها به عنوان یکی از دستاوردها نوین بشر نظام مسئولیتی اعم مدنی و کیفری را در سطح بین‌المللی به چالش کشانده است. هدف ما در این تحقیق بررسی مسئولیت حقوقی اعم مدنی و کیفری در قبال به کارگیری جنگ افزارهای رباتیک می‌باشد. انتساب مسئولیت مدنی یا کیفری به اشخاص در قبال اقدامات غیر قانونی جنگ افزار رباتیک در یک زنجیره‌ای از عوامل فنی و انسانی که می‌توانند عملیات یک جنگ افزار رباتیک را تحت تاثیر قرار دهند قرار دارد و باید تمام عوامل مزبور در تعیین مسئولیت اشخاص مدنظر قرار گیرد، به خصوص اعمال مسئولیت کیفری در قبال اقدامات غیر قانونی سامانه‌های نظامی رباتیک مستقل به اشخاص که نیاز به احراز سوءنیت آن‌ها می‌باشد با چالش بیشتری مواجه است و یا در مورد فرمانده نظامی برای اعمال مسئولیت کیفری باید کنترل مؤثر وی با توجه آگاهی که نسبت به کارکرد فنی و برنامه‌ریزی این جنگ افزارها دارد احراز شود. با توجه به اینکه برنامه‌ریزی این جنگ افزارها با فرمانده نمی‌باشد و طراحی شده‌اند که به طور مستقل عمل نمایند و بر مبنای برنامه و دستورات و محدودیت‌های که به آنها داده شده تصمیم می‌گیرند بعید به نظر می‌رسد فرمانده بتواند اقدامات لازم برای جلوگیری از جنایات جنگی آنها به عمل آورد و در قبال جنایات آنها مسئولیت کیفری داشته باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، جنگ افزار رباتیک مستقل، حقوق بشر

دوستانه، مسئولیت حقوقی، قواعد بشر دوستانه

۱- تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۸/۰۴/۱۹، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

۲- دکتری حقوق بین‌الملل و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور

درآمد

دانش رباتیک از جمله دانش‌های بین رشته‌ای است که از مجموعه‌ای از علوم مکانیک، فیزیک، الکترونیک، کامپیوتر، هوش مصنوعی و سایبرنتیک ترکیب یافته است و در قالب یک وسیله هوشمند رباتیک نمود عملی پیدا می‌کند (Ver-uggio, 2006:3). پیشرفت سریع در زمینه علوم مذکور و تکنولوژی کوچک سازی، پردازش کامپیوتری، سیگنال، پردازش تصویری و تکنیک ارتباطی این امکان را فراهم ساخت تا سیستم‌های رباتیک به خصوص آن‌هایی که کاربرد نظامی دارند تا حدودی زیادی به صورت مستقل عمل نمایند. در سال‌های اخیر اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی را در زمینه تکنولوژی رباتیک به ویژه از نوع نظامی آن نموده‌اند (Anthony, 2010:15-16). به طوری که نیروی هوایی ایالات متحده در طرح سامانه‌های هواپیمای بدون سرنشین ۲۰۴۷-۲۰۰۹ روند افزایش استقلال هواپیمای بدون سرنشین نظامی را مورد تأکید قرار داده و استقلال کامل آنها به عنوان اهداف بلند مدت نیز به رسمیت شناخته است (Grut, 2013:7). برخلاف جنگ‌های کلاسیک مناقشات مسلحانه آینده را به استفاده فزاینده و متکی بر ربات‌های نظامی توصیف می‌کنند که به صورت کنترل از دور یا به طور مستقل عمل می‌کنند لذا نسل کنونی جنگ افزارهای رباتیک تنها راس کوه یخی را نشان می‌دهند که در حال توسعه هستند که به تدریج نقش متصدی در هدایت آنها کاهش یا حذف خواهد شد (leveringAus, 2014:7). جنگ افزارهای رباتیک مستقل از طریق یک سری برنامه‌هایی که از قبل به آنها داده شده است عمل می‌نمایند و قادر است خودش تصمیم بگیرد بدون اینکه نیاز به دخالت مستقیم انسان باشد آنچه که این جنگ افزار را متمایز می‌کند توانایی آنها در عملکرد مستقل و شناسایی اهداف و حمله به آنها می‌باشد بدون اینکه برنامه‌ریزی شده باشند یک هدف خاصی را مورد حمله قرار دهند، تصمیم‌گیری در خصوص اینکه کدام اهداف باید مورد حمله قرار گیرد و چگونه و چه وقت حمله باید صورت بگیرد به نرم افزار جنگ افزار رباتیک محول شده است (Wag-ner, 2013, 105). به عنوان مثال اسرائیل نوعی هواپیمای بدون سرنشین نظامی که

تحت عنوان هارپی ۲^۱ ساخته است که می‌تواند به طور مستقل بر میدان جنگ گشت بزند و بدون مداخله انسان در دفاع هوایی دشمن را سرکوب و اهداف لازم را تخریب نماید. بسیاری از کشورها این نوع هواپیما را که قادر است به طور مستقل عمل نماید را ساخته اند یا در حال ساخت آن هستند (Beard,2014:633). در جنگ‌های دریایی سامانه‌های نظامی رباتیک به صورت شبکه - محور و سیستمی عمل می‌نمایند و این جنگ افزارهای رباتیک در مأموریت‌های نظامی شبکه‌ای تنها نیستند بلکه یکی از عوامل لاینفک سیستم هستند که مأموریت‌شان را به صورت واحد اجرا می‌نمایند، در عملیات شبکه -محور اختیار تصمیم‌گیری در کشتی مادر متمرکز شده است ولی اقدامات نظامی و اختیار شلیک به هدف پراکنده و گسترده است، در این شبکه بخش‌ها هماهنگ ولی مستقل عمل می‌کنند و کنترل‌کننده مرکزی وجود ندارد مانند گروه زنبوران عسل که همه اجزاء با همدیگر ارتباط دارند و در کل شبکه یک هماهنگی وجود دارد ولی خود سازماندهی هم وجود دارد. در سامانه شبکه -محور هر جنگ افزار رباتیک آزادی عمل دارد و خودش اقدام می‌کند ولی با همدیگر همکاری دارند، در واقع اقداماتشان برای طرف استفاده‌کننده از آنها نیز قابل کنترل و پیش‌بینی نیست و می‌توانند به پیامدهای غیرمنتظره منجر بشوند (Coeckelbergh,2011:273)، لذا ضرورت دارد تحقیقی در خصوص مسوولیت‌پذیری در به کارگیری این جنگ افزار صورت بگیرد.

حال سوالی که مطرح است این است که در صورت نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشر دوستانه توسط جنگ افزار رباتیک مستقل چگونه می‌توان نظام مسوولیتی اعم مدنی و کیفری را در این خصوص را تبیین و اعمال نمود؟

به نظر می‌رسد در چهارچوبه نظام مسوولیتی مبتنی تقصیر و بدون تقصیر و سایر مقررات بین‌المللی و تفسیر موسع از این مقررات بتوان مسوولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق بشر دوستانه و آثار زیان‌آور جنگ افزار رباتیک مستقل را نسبت به عواملی که به نوعی در به کارگیری آنها ذی‌مدخل هستند برقرار نمود. ولی اعمال مسوولیت کیفری جنایات جنگی ارتكابی جنگ افزار رباتیک مستقل نسبت به عواملی که این جنگ افزار را به کار می‌گیرند به دلیل اینکه مستلزم

اثبات عنصر معنوی و احراز عنصر مادی جرم تحت شرایط مقرر در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی و یا قوانین کیفری کشور‌های تعقیب‌کننده است، چالش برانگیز است.

هدف ما در این پژوهش بررسی مسئولیت حقوقی اعم مدنی و کیفری به کارگیری جنگ افزار رباتیک مستقل می‌باشد. در داخل کشور پژوهشی در زمینه جنگ افزارهای رباتیک مستقل و مسائل مسئولیتی آنها مشاهده نشد ولی پژوهش‌هایی در خصوص جنگ افزارهای رباتیک مستقل در خارج از کشور صورت گرفته است که ضمن طرح مسائل حقوق بشر دوستانه آن‌ها اشاره‌ای هم به چالش‌های مسئولیت کیفری آنها داشته‌اند ولی این تحقیق به طور خاص متمرکز شده بر مسئولیت‌پذیری در قبال به کارگیری این جنگ افزارها و علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی عواملی مختلفی که به نوعی در به کارگیری آنها ذی‌مدخل هستند نظیر مقامات غیر نظامی که در این چرخه مغفول مانده‌اند نیز مورد بحث قرار داده است در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌شود: آقای روبرت اسپارو در سال ۲۰۰۷ مقاله‌ای تحت عنوان «ربات‌های کشنده» در مجله فلسفه کاربردی دوره ۲۴ شماره ۱ منتشر نموده است و جنگ افزار رباتیک مستقل را از بعد اخلاقی مورد بررسی قرار داده و اعتقاد دارد به کارگیری این جنگ افزارها در جنگ به دلیل اینکه حیات انسان را تهدید می‌کند و نمی‌توان مسئولیت را بر کسی بار نمود غیراخلاقی است. کتاب انقلاب رباتیک و نزاع در قرن ۲۱ تألیف آقای پیتر دابلیو سینگر که در سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات پنگوین در آمریکا منتشر شده است، نویسنده بیان می‌دارد روند جنگ‌های آینده به سمت و سویی در حال حرکت است که موجب دگرگون شدن اصول بنیادین مخاصمات مسلحانه و حذف انسان یا حداقل فاصله گرفتن انسان از جنگ و مبارزه را در پی دارد، ایشان اعتقاد دارد جنگ افزارهای رباتیک بزرگترین تحولات در امور نظامی بعد از ساخت بمب اتم می‌باشد چنانچه به مسائل و نکات اخلاقی و قانونی در ساخت روبات‌ها توجه نشود این جنگ افزار می‌تواند به دشمن انسان تبدیل شود. این جنگ افزارها نه تنها مشکلات جامعه بشری را کم نخواهد کرد بلکه بشر در آینده با مشکل جدی برای مهار این روبات‌ها روبه‌رو خواهد شد. مقاله‌ی تحت عنوان «انسان خارج از حلقه

تصمیم سیستم جنگ افزارهای مستقل و حقوق مخاصمات مسلحانه «توسط آقایان میخائیل اشمیت و جفری تورنر در مجله امنیت ملی هاروارد شماره ۴ سال ۲۰۱۳ به چاپ رسیده است. این مقاله پیرامون جنگ افزارهای مستقل مباحث حقوقی را مطرح نموده است و در نهایت نتیجه‌گیری نموده است که این جنگ افزارها فی نفسه غیرقانونی نیستند ولی استفاده از جنگ افزارهای رباتیک باید بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه مشروع باشد و حقوق جنگ کاربرد این تسلیحات را محدود می‌کند و انسان همیشه مسؤول به کارگیری جنگ افزارهای مستقل خواهد بود اگرچه وظیفه خود را به این جنگ افزارها تفویض کرده باشد. آقای کریستف هینس گزارشگر ویژه سازمان ملل گزارشی درخصوص اعدام‌های غیرقانونی یا خودسرانه و روبات‌های مستقل کشنده در سال ۲۰۱۳ به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه شده است، در این گزارش آقای کریستف هینس اظهار می‌دارد که جنگ افزار مستقل رباتی است که اهداف خود را انتخاب و به آن حمله می‌نماید این جنگ افزار موجب نگرانی گسترده جامعه بین‌المللی درخصوص حفظ حیات انسان شده است سیستم‌های مستقل مهلک از یک ماهیت مرکب و پیچیده برخوردارند و ورود آنها در مواضع تصمیم‌گیری احتمالاً می‌تواند منجر به شکاف و خلاء مسؤولیتی شود در نهایت پیشنهاد می‌دهد اگر ماهیت این سیستم‌ها طوری است که اعمال مسؤولیت نسبت به عواقب اقدامات غیر قانونی آن‌ها بر افراد غیر ممکن است باید به عنوان یک جنگ افزار خطرناک استفاده از آن‌ها غیر اخلاقی و غیر قانونی اعلام شود. مقاله‌ای نیز تحت عنوان مشروعیت سامانه‌های جنگ افزاری مستقل و پیامدهایشان بر اصول حقوق بشر دوستانه‌ی موجود در سال ۲۰۱۹ در مجله حقوق بین‌الملل گرونینگن شماره ۷ توسط آقای سای ونکاتش چاپ شده است. در این مقاله مسائل حقوقی پیرامون کاربرد و نظامند کردن سامانه‌های جنگ افزاری مستقل و پیامدهای آن بر اصول حقوق بشر دوستانه مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد. در این نوشتار سعی بر این است در سه مبحث جداگانه مبانی نظری و مسؤولیت حقوقی اعم مدنی و کیفری ناشی از به کارگیری جنگ افزارهای رباتیک را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۱. تعریف جنگ افزارهای رباتیک مستقل و مبانی نظری مسئولیت حقوقی

۱-۱. تعریف جنگ افزارهای رباتیک مستقل

جنگ افزار رباتیک مستقل جنگ افزاری است که در هدایت به سمت هدف به طور مستقل عمل می‌نماید و نیازی به کنترل از بیرون ندارد و قادر است بر مبنای دستورات و محدودیت‌های که به آنها داده شده و مبتنی بر اطلاعاتی که برای فرآیند تصمیم‌گیری مهم هستند تصمیم‌گیری می‌نماید (Allhoff, 2013, 353). در تعریف دیگری که وزارت دفاع آمریکا از جنگ افزار رباتیک مستقل ارائه داده آمده است «جنگ افزار رباتیک مستقل سامانه‌ای است که پس از فعال‌سازی می‌تواند هدف را انتخاب کند و بدون مداخله متصدی انسانی به آن حمله نماید. این تعریف شامل جنگ افزار رباتیک مستقلی که به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به متصدی انسانی این امکان را می‌دهد که عملیات جنگ افزار مسقل را تحت تأثیر قرار دهد اما خود جنگ‌افزار نیز بعد از فعال شدن می‌تواند اهداف را انتخاب و بدون مداخله انسان به آن حمله نماید، می‌شود» (Schmitt, 2013, 4).

۲-۱. مبانی نظری مسئولیت حقوقی

در این مبحث مبانی مسئولیت حقوقی اعم مدنی و کیفری که در بحث ما کاربرد دارد را تبیین و مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲-۱. نظریه تقصیر

تقصیر عبارت از تجاوز از تعهد پیشین و رفتار شخص محتاط و آگاه یا رفتار انسان متعارف، همچنین تجاوز از رفتاری که رعایت آن برای حمایت از دیگران لازم است. در این نظریه مسئولیت بر پایه تقصیر قرار دارد و در صورتی فاعل ضرر و زیان‌های وارد را جبران می‌کند، که مرتکب تقصیر شده باشد و زیان دیده نیز تقصیر او را اثبات نماید. زیان دیده باید به عنوان مدعی تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر فاعل زیان و ضرر و زیان را اثبات کند (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ۲۶).

۲-۲-۱. نظریه خطر

این نظریه که تحت عنوان مسئولیت بدون تقصیر شناخته می‌شود پس از

مشکلات ناشی از تحولات اقتصادی و وقوع انقلاب صنعتی مطرح شد. بر مبنی این نظریه نیازی به اثبات تقصیر فاعل زیان نمی‌باشد. نظریات مختلفی در چهارچوب مسؤولیت مبتنی خطر مطرح شده است.

نظریه خطر در برابر انتفاع مادی: بدین معنی که هر کس از کاری سود می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را تحمل کند.

نظریه خطرهای ایجاد شده: فاعل زیان در برابر هر زیانی مسؤول است خواه نفع مادی یا معنوی ببرد.

نظریه خطر نامتعرف: تنها فعالیت‌های غیرمعمول و نامتعرف مسؤولیت آورند (همان منبع، ۳۷-۳۴).

مسؤولیت مطلق و مسؤولیت محض نیز از جمله مسؤولیت‌هایی بدون تقصیر می‌باشند. مسؤولیت محض مسؤولیتی است که مبتنی بر وجود یا اثبات تقصیر در عامل زیان یا فعل زیانبار نیست. صرف ایراد ضرر برای عامل آن ایجاد مسؤولیت می‌کند و عامل زیان جز با اثبات فقدان رابط سببیت و انتساب ضرر به قوای قاهره نمی‌تواند از مسؤولیت معاف شود، هدف این مسؤولیت تحمیل مسؤولیت به نتیجه است. در مسؤولیت مطلق ورود خسارت تنها شرط لازم برای مسؤول شناختن عامل زیان است، حتی احراز رابط سببیت میان فعل او و ورود زیان نیز لازم نیست و عامل زیان مطلقاً مسؤول است حتی اگر ثابت نماید مقصر نیست (بادینی، ۱۳۹۱، ۲۱).

در حوزه‌ی کیفری نیز جرایم با مسؤولیت مطلق جرایمی است که در آن مسؤولیت مبتنی بر تقصیر نیست یا مسؤولیت بدون تقصیر است، در جرایم با مسؤولیت مطلق به نوعی عنصر روانی مفروض است (احدی، ۱۳۸۹، ۱۵۸). این نظریات در خصوص مسؤولیت مبتنی بر تقصیر یا خطر در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله نظام حقوق بین‌الملل رسوخ کرده است و معاهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوق بشر دوستانه مورد بحث نیز مبتنی بر این نظریات و اندیشه‌هایی دیگر که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد تدوین و تصویب شده‌اند.

۱-۲-۳. کرامت انسانی

کرامت به معنی عزت، منزلت والا و شرف است. ابن عربی در بحث از

کرامت انسانی می‌گوید «کرامت انسانی فطری و ذاتی اوست آنچه انسان را موضوع ذم و مدح قرار می‌دهد فعل اوست نه عین او، چه عین انسان بر صورت حق آفریده شده است و همین امر مایه کرامت ذاتی اوست ولی همین انسان صاحب کرامت موجودی مکلف است که با انجام و یا ترک افعال مستوجب مدح و یا ذم می‌شود» (قربان نیا، ۱۳۹۰، ۱۱۳). فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که استفاده از خشونت را در دوران منازعات مسلحانه محدود می‌کند و ناظر بر رفتار قوای متخاصم در منازعات مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی است حفظ کرامت انسانی است که حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است و تجاوز به آن به هیچ نحوی جایز نمی‌باشد (همان منبع، ۱۴۶). حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در راستای تأمین احترام به شأن‌والا و کرامت انسان و تضمین حق حیات و حقوق بنیادین بشر در جریان منازعات مسلحانه و مسئولیت‌پذیر کردن دولت‌ها و آزادی عمل آنها را در جنگ تعدیل و محدود نموده است. در صورتی که کرامت انسان و حقوق بنیادین بشر در جریان منازعات مسلحانه نقض شود عاملان را تحت تعقیب، محاکمه و مجازات می‌نماید. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن نیز متضمن کرامت انسانی است. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ بر ممنوعیت آسیب رساندن به حیثیت و کرامت اشخاص از جمله رفتار تحقیرآمیز و خوار کننده تصریح نموده است ماده مذکور لطمه به منزلت انسانی در هر زمان و مکان تحت هر شرایطی را ممنوع اعلام کرده است. همچنین ماده ۷۵ پروتکل اول و ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو اهانته به کرامت انسانی به ویژه رفتار تحقیرآمیز و خوارکننده نظیر خشونت نسبت به حیات، سلامت، صحت جسمی و روانی اشخاص زیر در هر زمان و در هر مکان اعم از اینکه توسط غیرنظامیان و یا مأمورین نظامی ارتکاب یابد ممنوع نموده است. تجاوز به کرامت شخص به ویژه رفتار مؤهن و تحقیرآمیز در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ جنایت جنگی تلقی شده است. انکار کرامت انسانی به نفع انسانیت می‌انجامد به همین دلیل حمایت از انسان و انسانیت مبنای دیگر نظام بین‌الملل حقوق بشر دوستانه می‌باشد (همان منبع، ۱۶۷).

۱-۲-۴. حمایت از انسان و انسانیت

هدف و کارکرد اصل حمایت از انسان و انسانیت حمایت از فرد و حقوق و آزادی‌های بنیادین او است. حمایت از حقوق فرد در مقابل نقض احتمالی آن توسط دولت متبوع فرد، افراد و یا دولت‌های دیگر می‌باشد، همچنین مسؤولیت پذیر کردن انسان و انتساب مسؤولیت بر کسی که جنایت جنگی را مرتکب شده است و دولت‌ها را به جنگ انسانی ملتزم و متعهد می‌نماید به خصوص اینکه یکی از شرایط بنیادین جنگ عادلانه مسؤولیت‌پذیری و قابل انتساب بودن مسؤولیت بر کسی که جنایت جنگی را مرتکب شده است. اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه نظیر اصل تناسب، اصل تفکیک، اصل ضرورت و اصل احتیاط که در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۸ و پروتکل‌های الحاقی به آن و کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ مورد تأکید قرار گرفته‌اند دلالت بر این دارند که چگونه اصول انسانیت و حمایت از انسان و انسانیت مبنای تعهد و مسؤولیت افراد به رعایت حقوق بشر دوستانه در منازعات مسلحانه می‌باشد. برخی از مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نیز بر مبنای یک سلسله اصول طراحی شده و در چاقوب این اصل اعمال می‌شوند. این اصول که ریشه در کرامت انسانی دارند، جهان شمول بوده و حمایت از انسان هدف اصلی اصول بشر دوستانه می‌باشد. برخی از این اصول عبارتند از اصل ضرورت، اصل تناسب، اصل تفکیک و اصل احتیاط است. بر اساس اصل ضرورت نظامی فرمانده نظامی باید به شیوه‌ای اقدام نماید که برای پیش برد اهداف نظامی ضروری باشد و از کشتار و تخریب افراطی نیز امتناع نماید. این اصل به عنوان حقوق بین‌المللی عرفی شناخته می‌شود (Herman, 2013: 54). بنابراین اصل ضرورت نظامی یک اصل بنیادین از حقوق جنگ است و در بسیاری از معاهدات حقوق بشر دوستانه مورد تصریح قرار گرفته است. ماده ۲۳ کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ مقرر می‌دارد «تخریب یا ضبط اموال دشمن به غیر از مواردی که ضرورت‌های جنگی ایجاب نماید، ممنوع است.» ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ نیز بیان می‌دارد «انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که افراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی باشد توسط دولت اشغال‌کننده ممنوع است مگر در مواردی که انهدام آنها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد.»

در بند ۲ ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ نیز آمده است «حمله‌ها منحصرأ باید به هدف‌های نظامی محدود گردد تا آنجا که به اموال مربوط می‌شود هدف‌های نظامی به اموالی محدود می‌شود که به لحاظ ماهیت محل، هدف یا کاربرد آن‌ها سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته و تخریب کلی یا جزئی، تصرف یا از کار انداختن آن‌ها در شرایط زمانی موجود، یک مزیت نظامی معین محسوب گردد.» یکی از اصول مهم حاکم بر حقوق بشر دوستانه اصل تناسب است که عامل محدودکننده در راهبری و اداره مخاصمات مسلحانه محسوب می‌شود. این قاعده امروزه به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌شود (هنکرتز، ۱۳۸۷، ۱۲۱). این اصل در قسمت (ب) بند ۵ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول نیز مورد تصریح قرار گرفته است «حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث تلفات غیر نظامیان، آسیب به غیر نظامیان، صدمه به اموال غیر نظامی یا ترکیبی از این موارد گردد و این خسارت زیاده بر مزیت عینی و مستقیم نظامی مورد انتظار باشد، ممنوع است.» اصل تناسب در ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول مورد تاکید قرار گرفته است. در اصل تناسب دو عامل باید در عرصه نبرد مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد: ۱- آسیب‌های احتمالی به غیر نظامیان و اموال غیر نظامی ۲- مزیت‌های نظامی احتمالی حمله، چنانچه آسیب‌ها و خسارت احتمالی حمله بیش از مزیت نظامی باشد آن حمله ممنوع می‌باشد. اصل تفکیک یکی دیگر از اصول بنیادین حاکم بر مخاصمات مسلحانه است که از رزمندگان و مصدومان و از کار افتاده‌گان در میدان رزم حمایت می‌نماید، طرفین درگیر در جنگ همواره باید بین افراد غیر نظامی و رزمندگان تفکیک قائل شوند، حملات نظامی فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام شود و حملات نباید متوجه افراد غیر نظامی باشد. رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند (پیشین، هنکرتز: ۶۲). به موجب ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ «به منظور تضمین احترام و حمایت نسبت به سکنه غیر نظامی و اموال غیر نظامی، طرف مخاصمه باید همواره بین سکنه غیر نظامی و رزمندگان و نیز بین اموال و اهداف نظامی تفکیک قائل شده و بر این

اساس می‌بایست عملیات خود را متوجه اهداف نظامی نمایند». در بند ۲ مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ مجدداً بر اصل تفکیک تأکید شده است. اصل احتیاط نیز از جمله اصول دیگر حقوق بشر دوستانه است، این اصل ارتباط تنگاتنگی با سایر اصول بشر دوستانه دارد و از مؤلفه‌های اصلی، اصل تفکیک در حقوق مخاصمات مسلحانه است که مهاجم در حمله باید احتیاط لازم را جهت به حداقل رساندن آسیب به غیر نظامیان و اموال غیر نظامی به عمل آورد، بر مبنای این اصل باید در هدایت عملیات نظامی دقت ویژه‌ای برای جدا کردن جمعیت غیر نظامی و اموال غیر نظامی به عمل آید. همه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی به منظور اجتناب و در هر شرایطی به حداقل رساندن تلفات تصادفی بر غیر نظامیان، صدمه به غیر نظامیان و ایراد خسارت به اموال غیر نظامیان باید اتخاذ شود. رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند (پیشین، هنکرتز: ۱۲۷). نظام حقوقی حاکم بر اقدامات احتیاطی در جریان حمله در بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۱ ماده ۵۷ مقرر می‌دارد «در هدایت عملیات نظامی می‌بایست همواره مراقبت به عمل آید که از سکنه غیر نظامی و اموال غیر نظامی چشم‌پوشی شود»، بند ۲ ماده ۵۷ نیز اقدامات احتیاطی که باید در جریان حمله رعایت شود را پیش‌بینی نموده است، نظیر اخطار مؤثر به غیر نظامیان قبل از اینکه حمله صورت گیرد. در راستای حمایت از انسان در مخاصمات مسلحانه حق انتخاب سلاح محدود شده و استفاده از تسلیحاتی که درد و رنج زائد و غیر ضرور ایجاد می‌کنند ممنوع شده است. مقررات منضم به کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه نیز به کارگیری تسلیحات و موادی را که درد و رنج غیر ضرور ایجاد می‌کنند ممنوع نموده است. اصل منع استفاده از تسلیحاتی که درد و رنج زائد و غیر ضرور ایجاد می‌کنند در بند ۱ و ۲ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مورد تأکید قرار گرفته است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در بند ۲ ماده ۸ به کارگیری سلاح‌ها، پرتابه‌ها و روش‌های جنگی که موجب آسیب‌رسانی بیش از حد و یا موجب رنج غیر ضرور می‌شوند و یا ذاتاً قادر به تفکیک اهداف نیستند را جنایت جنگی تلقی نموده است، همچنین در

این ماده کشتار عمدی، فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی، تخریب و ضبط گسترده اموال را که ضرورت نظامی آن را توجیه نمی‌کند به عنوان جنایات جنگی تلقی نموده است. نقض مفاد کنوانسیون‌ها و اصول حقوق بشر دوستانه مذکور که در واقع ناقض اصل حمایت از انسان و انسانیت می‌باشد مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت کیفری اشخاص را در پی دارد.

مسئولیت مدنی دولت به عنوان یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل در ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ منعکس و در ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول تکرار شده است. بر اساس این ماده طرف مخاصمه‌ای که موازین کنوانسیون‌ها یا این پروتکل را نقض نمایند، ملزم به پرداخت غرامت خواهند بود. طرف مذکور در قبال کلیه اعمالی که توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابد که بخشی از نیروی مسلح آن را تشکیل می‌دهند، مسؤول می‌باشد. طرح مسئولیت بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل و مجمع عمومی سازمان ملل سال ۲۰۰۱ که بسیاری از مقررات آن جنبه عرفی دارد مسئولیت بین‌المللی دولت را برقرار و تصریح نموده است. بر اساس ماده ۱ آن «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود»، به موجب ماده ۷ آن نیز «رفتار ارگان دولتی یا شخص یا نهادی که مجاز به اعمال برخی اقدامات دولتی است به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود مشروط بر آن که آن ارگان، نهاد یا شخص در این سمت عمل کرده باشد، حتی اگر از حدود و اختیارات خود تجاوز کرده باشد یا دستورات را نقض کند. «مسئولیت مدنی افراد در ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. در این ماده مقرر شده است دیوان در رأی خود می‌تواند به درخواست ذینفع یا در هر شرایطی خاص رأساً حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطمه‌هایی که به مجنی علیه صادر نماید و نحوه‌ی مناسب جبران خسارت مجنی علیه از جمله استرداد، غرامت، و یا اعاده وضع به حالت سابق را معین نماید. دیوان در صورت اقتضا می‌تواند دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی ماده ۷۹ صورت گیرد. به موجب ماده ۷۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به منظور حفظ منافع قربانیان و خانواده آن‌ها بنا بر تصمیم

مجمع دول عضو یک صندوق بین‌المللی امانی ایجاد خواهد شد و وجوه و سایر اموال جمع‌آوری شده از طریق اخذ جریمه یا ضبط آن‌ها به صندوق امانی منتقل می‌شود. در سال ۲۰۰۵ نیز کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) دستور العمل جبران خسارت و پرداخت غرامت به قربانیان نقض فاحش قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را تصویب نموده، بر اساس این سند تعهد و تضمین به رعایت حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از جمله تکلیف دولت‌ها است و باید اقدام مناسبی علیه شخصی که بر اساس حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مسؤولیت دارد صورت گیرد و نسبت به قربانیان جبران خسارت مؤثر و پرداخت غرامت به عمل آید (Heintsche, 2007, 198).

مسؤولیت کیفری فردی یک اصل قدیمی از حقوق بین‌الملل عرفی است که در کد لیبِر و دستورالعمل اکسفورد مورد شناسایی قرار گرفته است و از آن زمان به بعد در بسیاری معاهدات بشر دوستانه تکرار شده است، بنابراین اصل مسؤولیت کیفری افراد به عنوان یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی پذیرفته شده است (پیشین، هنکرتز: ۷۷۶)، حمله به اهداف غیر نظامی و صدمات جانی و خسارت مالی به افراد غیر نظامی مسؤولیت کیفری افراد را در پی دارد و مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول نیز بر این امر تأکید دارد که سکنه غیر نظامی و افراد غیر نظامی از حمایت کلی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی برخوردار خواهند بود، سکنه غیر نظامی فی نفسه و نیز افراد غیر نظامی نباید آماج حمله قرار گیرند. حملاتی که انتظار می‌رود به طور اتفاقی موجب صدمه جانی به افراد غیر نظامی، مجروح شدن آن‌ها و وارد آوردن خسارت به اموال غیر نظامی یا مجموعه‌ای از آن‌ها گردد که نسبت به مزیت‌های نظامی مشخص و مستقیمی که پیش‌بینی شده است زیاد از حد باشد ممنوع است. همچنین اموال غیر نظامی نباید هدف حمله قرار گیرد و حملات نظامی منحصراً باید به اهداف نظامی محدود گردد. در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ نیز هدایت عمدی حملات بر ضد مردم غیر نظامی و افرادی غیر نظامی که مشارکت مستقیم در مخاصمات ندارند، جنایت جنگی تلقی نموده است. لذا نقض هر یک از اصول حقوق بشر دوستانه و معاهدات مذکور می‌تواند مسؤولیت کیفری افراد را در پی داشته

باشد. ماده ۴۹ کنوانسیون اول ژنو ۱۹۴۹ نیز دولت‌های متعاقد را مکلف نموده است که «کسانی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند مورد تعقیب قرار داده و آن‌ها را از هر ملیتی که باشند تسلیم محاکم خود نمایند. همچنین می‌تواند در صورتی که مایل باشد آن‌ها را طبق شرایط مقرر در قوانین خود برای دادرسی به یک کشور متعاقد دیگر که علاقمند به تعقیب آنها باشد تسلیم نماید.» در مواد ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶ کنوانسیون‌های دوم، سوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹ همان مضمون ماده ۴۹ تکرار و مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ مقرر می‌دارد «دیوان مطابق این اساسنامه نسبت به جرائم اشخاص حقیقی صلاحیت خواهد داشت هر کس مرتکب یکی از جرائمی که در صلاحیت دیوان است بشود، بطور فردی مسؤول است و مطابق این اساسنامه مجازات خواهد شد. بر اساس این اساسنامه یک شخص مسؤولیت کیفری دارد و در ارتباط با جرمی که در صلاحیت دیوان است مجازات خواهد شد. هیچ کدام از مقررات مربوط به مسؤولیت کیفری افراد که در این اساسنامه آمده است تأثیری بر مسؤولیت دولت‌ها به نحوی که در حقوق بین‌الملل مقرر شده است، نخواهد داشت.» افراد ممکن است به شیوه‌های مختلفی مانند مشارکت در ارتکاب جرم، همکاری در ارتکاب جرم، تسهیل ارتکاب جرم، برنامه‌ریزی و تحریک به ارتکاب جنایت جنگی مسؤولیت کیفری پیدا نمایند.

با امعان نظر به مبانی مذکور مسؤولیت حقوقی اعم مدنی و کیفری، تولیدکنندگان، برنامه‌ریزان، فرماندهان نظامی و دولت و مقامات غیر نظامی آن را در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه جنگ افزارهای رباتیک مستقل را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲. مسؤولیت مدنی در به کارگیری جنگ افزارهای رباتیک مستقل

۲-۱. مسؤولیت مدنی دولت

مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها از مباحث کهن حقوق بین‌الملل است و امروزه به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است (پیشین، هنکرتز، ۷۴۹). این قاعده در ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ گنجانده

شده و در ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول تکرار شده است، فلسفه این مسؤولیت تضمین رعایت نظام حقوق بین الملل توسط دولت‌ها است. دولت‌ها تعهداتی دارند که باید در عرصه بین‌المللی رعایت نمایند و از تجاوز به قواعد حقوق بین الملل پرهیز کنند، در صورت نقض این تعهدات از جمله نقض قواعد حقوق بشر دوستانه مسؤولیت بین‌المللی دولت را در پی دارد. اگر نقض جدی قواعد حقوق بشر دوستانه منتسب به یک دولت باشد، دولت مزبور مسؤول و متعهد جبران خسارت است، از آن جایی که جنگ افزارهای رباتیک مستقل، یک ابزار هستند، دولتی که از این ابزار استفاده می‌کند یا اجازه استفاده از آن را می‌دهد نقض قواعد حقوق بشر دوستانه آن‌ها منتسب به دولت است و در قبال ضرر و زیان وارد توسط آن‌ها مسؤولیت دارد. مسؤولیت مدنی دولت در قبال نقض مقررات حقوق بشر دوستانه این جنگ‌افزارها، مطابق اصول کلی حقوقی حاکم بر مسؤولیت بین‌المللی دولت و همچنین منطبق با ماده ۷ طرح مسؤولیت بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل و مجمع عمومی سازمان ملل سال ۲۰۰۱ است که مقرر می‌دارد «رفتار ارگان دولتی یا شخص یا نهادی که مجاز به اعمال برخی اقدامات دولتی است به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود مشروط بر آنکه آن ارگان، نهاد یا شخص در این سمت عمل کرده باشد، حتی اگر از حدود و اختیارات خود تجاوز کرده باشد یا دستورات را نقض کند». در ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ نیز تصریح شده است که «طرفین متخاصم که موازین کنوانسیون‌ها و یا این پروتکل را نقض نمایند، عندالاقضاء ملزم به پرداخت غرامت خواهند بود و دولت مزبور در قبال کلیه اعمالی که توسط اشخاصی ارتکاب می‌یابد که بخشی از نیروهای مسلح آن را تشکیل می‌دهند، مسؤول می‌باشد». همچنین در قاعده ۱۴۹ حقوق بین‌الملل بشر دوستانه عرفی تدوین شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آمده است «دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه که منتسب به اوست مسؤولیت دارد، از جمله در قبال: الف) نقض‌هایی که توسط ارگان دولت شامل نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد. ب) نقض‌های که از سوی افراد یا نهادهایی که بر اساس اختیارات اعطایی به آنها و در جهت اعمال عناصر حاکمیت دولت صورت می‌پذیرد و نقض‌هایی که از سوی افراد یا گروه‌های خصوصی

صورت می‌گیرد و دولت عمل آن‌ها را به منزله عمل خود مورد تایید قرار می‌دهد، این قاعده به منزله یک قاعده‌ی عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌باشد.» (هنکرتز، ۱۳۸۷: ۷۴۹).

بنابراین با توجه به مقررات مذکور اگر انتساب مسئولیت به دولت بابت نقض حقوق بشر دوستانه توسط جنگ افزار رباتیک مستقل محرز باشد، دولت مزبور مسئولیت دارد. اگر هم عملی مستقیماً به دولتی قابل انتساب نباشد از باب مسئولیت بدون تقصیر (نظریه خطر) مسئولیت پیدا می‌نماید، به این دلیل که دولت با وجود اینکه جنگ افزار رباتیک مستقل خطراتی را به همراه دارد تصمیم می‌گیرد از این جنگ افزار استفاده نماید. چنانچه به کارگیری جنگ افزار رباتیک مستقل منجر به خسارت شود این دولت است که در قبال ضرر و زیان ناشی از آن مسئولیت دارد، همانطور که از به کارگیری آن منتفع و بهره مند می‌شود باید زیان‌های ناشی از آن را متحمل شود لذا مسئولیت حقوقی دولت در قبال نقض حقوق بشر دوستانه جنگ افزار رباتیک مستقل که توسط نهادهای وابسته و عوامل آن به کار گرفته می‌شود منطبق با اصل مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال تخلف از تعهدات و نظام حقوق بین‌الملل می‌باشد. مسئولیت در قبال نقض قواعد حقوق بشر دوستانه این جنگ‌افزارها موجب می‌شود تا دولت‌ها آن‌ها را به کار نگیرند یا در انتخاب جنگ افزار دقت بیشتری نموده و اطمینان حاصل نمایند این جنگ افزارها حقوق بشر دوستانه را نقض نمی‌نماید و استانداردها و ایمنی لازم را در تولید جنگ افزارهای مستقل رعایت نمایند.

۲-۲. مسئولیت مدنی تولیدکننده و برنامه ریز

نقش تولیدکننده و برنامه‌نویس جنگ افزار رباتیک مستقل در کارکرد آن‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت و این افراد می‌توانند هر یک به نوعی نقش مؤثری در عملیات و سوء کارکرد آن داشته باشند. عملکرد هر یک از این افراد مسئولیت در قبال عملیات این جنگ‌افزار را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عملکرد غیر قانونی یک جنگ افزار مستقل ممکن است ناشی از نقض در تولید یا برنامه‌نویسی باشد، در نتیجه برنامه‌نویس یا تولیدکننده تحت شرایطی می‌تواند مسؤول شناخته شوند. اعمال

مسئولیت نسبت به تولیدکننده و برنامه نویس در قبال نقض قواعد حقوق بشر دوستانه جنگ افزار رباتیک مستقل را می‌توان با دو رویکرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد. بر مبنای رویکرد اول اگر تولیدکننده یا برنامه نویس منطبق با استانداردها و ایمنی‌های تعیین شده در قانون، جنگ افزار رباتیک مستقل را تولید یا برنامه‌ریزی نموده باشد و نهاد مربوطه نیز انطباق آن با ایمنی و استاندارد مقرر را تایید نموده باشد و تولیدکننده یا برنامه‌نویس هشدار و آگاهی لازم را با توجه به شناختی که نسبت این جنگ‌افزار دارد به خریدار یا ارگان نظامی کاربر در خصوص به‌کارگیری آن‌ها داده باشد، با این اوصاف تولیدکننده و برنامه‌نویس در قبال نقض حقوق بشر دوستانه و عدم رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه نظیر اصل تناسب، اصل تفکیک، اصل ضرورت و اصل احتیاط توسط جنگ‌افزار مستقل در صحنه نبرد که منجر به خسارت و ضرر و زیان شده مسئولیتی در برابر نهاد کاربر و شخص ثالث متضرر ندارد، ولی چنانچه تولیدکننده و برنامه‌ریز شرایط و ویژگی‌های فنی و استانداردهای مقرر در قانون را رعایت نکرده باشند در این صورت تولیدکننده و برنامه‌ریز به دلیل عدم رعایت مشخصات فنی مقرر در قانون که منجر به نقض مقررات حقوق بشر دوستانه شده از باب نقض قانون که منتهی به خسارت شده مقصر می‌باشد و مسئولیت مدنی دارد. همچنین اگر نقض مقررات حقوق بشر دوستانه و خسارت وارده توسط این جنگ‌افزارها ناشی از نقص در تولید یا برنامه‌ریزی بوده و متضرر، تقصیر و رابطه سببیت بین فاعل زیان یعنی تولیدکننده و برنامه‌نویس و خسارت وارده را اثبات نماید از باب مسئولیت مبتنی بر تقصیر تولیدکننده در قبال نقض در تولید جنگ‌افزار رباتیک مستقل و برنامه‌نویس بابت نقص در برنامه‌ریزی جنگ‌افزار رباتیک مستقل که منجر به سوء کارکرد جنگ‌افزار و نقض حقوق بشر دوستانه و در نهایت خسارت شده است مسئولیت مدنی دارد. بر اساس رویکرد دوم، زیان دیده‌نیازی به اثبات تقصیر عامل زیان ندارد هم‌اینکه بتواند خسارت وارده را اثبات کند و رابطه علیت بین عامل زیان و خسارت وارده وجود داشته باشد یعنی خسارت وارده قابل اثبات و انتساب به تولیدکننده یا برنامه‌نویس باشد، از باب مسئولیت بدون تقصیر در قبال نقض قواعد و مقررات حقوق بشر دوستانه جنگ‌افزار مستقل که ناشی از نقص در تولید یا برنامه‌ریزی

بوده و منجر به خسارت شده مسئولیت مدنی دارد.

۲-۳. مسئولیت مدنی فرماندهی

مسئولیت فرماندهان در قبال رفتار غیر قانونی نیروهای تحت امر سابقه‌ای دیرینه در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل دارد. هدف از مسئولیت فرمانده یا مافوق در قبال اقدامات غیر قانونی دیگران جنبه بازدارندگی آن است. فرماندهی نظامی می‌تواند در قبال عملیات سامانه‌های رباتیک مستقل به دلیل قصور در اعمال کنترل مناسب بر نیروهای تحت امرش مسئولیت پیدا نماید. قصور فرمانده در کنترل نیروهای تحت امرش به دلیل قصور در احتیاط مناسب بوده و جنبه کیفری ندارد ولی به هر حال در قبال قصورش مسئولیت مدنی دارد. فرماندهی که یک جنگ‌افزار رباتیک مستقل را بدون توجه به دستورالعمل آن یا با دستورات غلط و نامناسب به کارگیرد در برابر اقدامات غیر قانونی و ضرر و زیان آن مسئولیت دارد. بر اساس دکترین مسئولیت فرمانده و مواد ۸۶ و ۸۷ پروتکل الحاقی اول سال ۱۹۷۷ مافوق متعهد است که کنترل و نظارت مؤثری بر رفتار زیردستان خود داشته باشد و از رفتار مضر و خلاف قانون آن‌ها که ناقض کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی است جلوگیری به عمل آورند. این امر دلالت بر این دارد که اگر فرمانده می‌داند یا باید می‌دانسته که به کارگیری جنگ‌افزار رباتیک مستقل حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را نقض می‌کند و آن را به کارگیرد، در قبال نقض مقررات حقوق بشر دوستانه آن مسئولیت مدنی دارد. مانند اینکه فرمانده‌ای می‌داند جنگ‌افزار رباتیک مستقل سوء کارکرد دارد و مخرب است و قادر نیست بین غیر نظامیان و نظامیان تفکیک قائل شود ولی آن را به کارگیرد و منجر به خسارت شود، به دلیل عدم رعایت اصل تفکیک مندرج در ماده ۴۸ و بند ۲ مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مسئولیت مدنی دارد. یا اینکه جنگ‌افزار رباتیک مستقل را در محیطی به کارگیرد که با توجه به ویژگی و توانایی محدود نرم‌افزاری آن قادر نیست اهداف مورد نظر را با دقت و به‌طور صحیح تجزیه و تحلیل نموده و انتخاب نماید و هدف را اشتباه انتخاب نماید یا اینکه فرمانده باید بداند که احتمالاً یک جنگ‌افزار رباتیک مستقل مرتکب نقض قواعد حقوق بشر دوستانه می‌شود اما آن را به هر حال به

کار گیرد به دلیل عدم رعایت اصل احتیاط و اینکه همه اقدامات احتیاطی ممکن در انتخاب ابزار و شیوه‌ی حمله با رویکرد اجتناب از آسیب جانی و خسارت به اموال غیر نظامیان مندرج در بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه و بند ۱ و ۲ ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول در به کارگیری این جنگ افزارها به عمل نیآورده است و سبب خسارت شده است، مسؤولیت مدنی بر او بار می‌شود. برقرای چنین مسؤولیتی فرمانده را ترغیب می‌کند کنترل بیشتری بر به کارگیری این جنگ افزارها اعمال نماید و آن‌ها را به شیوه‌ای که خطری ندارد به کار گیرد. اصولاً یک فرمانده نظامی وقتی در قبال اقدامات غیر قانونی یک سیستم جنگ افزاری مستقل مسؤولیت مدنی دارد که نسبت به ساختار فنی جنگ افزار مستقل با توجه به اطلاعاتی که به فرمانده نظامی قبل از حمله داده می‌شود آگاهی داشته باشد و همچنین از توانایی بالقوه ارتکاب اقدامات غیر قانونی جنگ افزارهای رباتیک مستقل آگاه باشد که ممکن است علیه غیر نظامیان اقدام غیر قانونی انجام دهد ولی با این وجود بی‌اعتنایی کرده باشد و تصمیم بگیرد آن را به کار گیرد و منجر به خسارت شود، در نتیجه براساس ماده ۸۶ پروتکل الحاقی اول فرمانده مسؤولیت مدنی دارد. بر اساس ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که مقرر می‌دارد «دیوان در رأی خود می‌تواند به درخواست ذینفع یا در هر شرایطی خاص رأساً حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطماتی که به مجنی علیه وارد شده را معین نماید و مستقیماً دستوری علیه محکوم علیه صادر نماید و به نحوه‌ی مناسب جبران خسارت مجنی علیه از جمله پرداخت غرامت یا اعاده وضع به حالت سابق را معین کند و دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند حکم بر جبران خسارت صادر نماید». اگر فرمانده به دلیل اینکه جنگ افزار رباتیک مستقل، به طور مستقل از انسان عمل می‌نماید و قادر به شناسایی تهدید و نقض حقوق بین‌الملل این جنگ افزارها نباشد و چنانچه در آستانه ارتکاب اعمال غیر قانونی قرار بگیرد نمی‌تواند عملیات جنگ افزارهای رباتیک مستقل را تغییر دهد به دلیل اینکه برنامه ریزی این جنگ افزارها بر عهده‌ی فرمانده نمی‌باشد و بر عملکرد غیر قانونی آن‌ها نیز کنترل کافی و مؤثر ندارد در قبال عملکردشان نیز مسؤولیت نخواهند داشت، به هر حال اگر فرمانده کنترل مؤثر و کافی بر سامانه‌های رباتیک مستقل نداشته باشد و

از سوء کارکرد فنی آن نیز آگاه نباشد و سبب خسارت بشود بر اساس ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در آن بر کنترل واقعی و مؤثر فرمانده بر زبردستانش تأکید می‌کند به نظر نمی‌رسد که بتوان فرمانده را بابت نقض حقوق بین‌الملل بشر دستانه یک جنگ افزار رباتیک مستقل که منجر به خسارت شده مسئول شناخت. شخصی را می‌توان مسئول یک اقدام تلقی کرد که او کنترل کافی بر اقداماتش و عواقب عملکردش داشته باشد و آگاهی کافی نسبت به حقایق خاص پیرامون اقداماتش داشته باشد تا بتواند آزادانه تصمیم بگیرد و اقدامات مناسب را بر اساس این واقعیت‌ها اتخاذ نماید. مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۸۶ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ که در آن بر آگاهی و مطلع بودن فرمانده نسبت به جنایت در حال ارتکاب یا در شرف ارتکاب توسط زبردستان تأکید نموده است مؤید این ادعا می‌باشد.

۳. مسئولیت کیفری در به کارگیری جنگ افزارهای رباتیک مستقل

۳-۱. مسئولیت کیفری مقامات غیر نظامی دولت

مسئولیت در قبال جنایات جنگی بر مبنای مسئولیت فرماندهی نه فقط متوجه پرسنل نظامی بلکه متوجه غیر نظامیان نیز می‌شود (پیشین، هنکرتز و دیگران: ۷۹۰). ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ بر این امر تأکید دارد که سمت رسمی رئیس دولت، یک عضو دولت یا مجلس، نماینده یک دولت به هیچ وجه یک شخص را از مسئولیت کیفری که به موجب اساسنامه بر عهده دارد معاف نخواهد کرد. مسئولیت کیفری مقامات غیر نظامی ممکن است ناشی از ۱- فعل با عمل مستقیم آن‌ها باشد مانند اینکه جرمی را به تنهایی یا با همراهی دیگری مرتکب شده باشد یا دستور ارتکاب آن را داده باشد ۲- فعل غیر مستقیم آن‌ها باشد مانند کمک و همکاری یا هر نوع مساعدت برای ارتکاب جرم یا تسهیل ارتکاب جرم همچنین تهیه ابزار ارتکاب جرم می‌باشد یا در ارتکاب جرم مشارکت داشته باشد (بند الف، ب، ج، د ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی). بنابراین مسئولیت کیفری مقامات غیر نظامی در ارتباط با جنگ افزار رباتیک مستقل می‌تواند ناشی از فعل و عمل مستقیم یا غیر مستقیم آن‌ها باشد و به صور مختلف تحقق پیدا نماید، زیرا این مقامات غیر نظامی هستند که تصمیمات

و سیاست‌گذاری لازم را راجع تولید و توسعه و به کارگیری این جنگ افزارها اتخاذ می‌نمایند. تصمیماتی نظیر چه نوع جنگ‌افزاری نیروی‌های مسلح تولید کنند و کیفیت و استاندارد آن‌ها و یا چگونه باید این تجهیزات به کار گرفته شوند و چگونه فرماندهان نظامی با این جنگ‌افزارها تعامل داشته باشند. لذا سوء کارکرد و نقض مقررات حقوق بشر دوستانه این جنگ‌افزارها ممکن است نتیجه و آثار تصمیمات مقامات غیر نظامی باشد که این مقررات را تنظیم می‌نمایند. ارتکاب جنایت جنگی این جنگ‌افزارهای رباتیک مستقل که از آثار عدم ایمنی کافی آن‌ها می‌باشد و قابل پیش‌بینی بوده و از پی‌آمد تصمیمات آنها است، باید بابت تأثیرات تصمیماتشان که نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است مسؤولیت کیفری داشته باشند. برای اعمال مسؤولیت کیفری نسبت به مقامات غیر نظامی باید دو عنصر مادی و معنوی که در ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است احراز شود. بر اساس این ماده «هیچکس دارای مسؤولیت کیفری نیست و نمی‌توان به دلیل ارتکاب یکی از جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم احراز شود.» در عنصر مادی باید یکی از اعمالی که نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ می‌باشد اتفاق افتاده باشد (ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)، یا یکی از افعالی که جنایت علیه بشریت است ارتکاب یافته باشد (ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)؛ و در عنصر معنوی فعل مجرمانه باید با عمد و سوء نیت همراه باشد و به موجب ماده ۳۰ اساسنامه وجود قصد مفروض است. وقتی که شخص نسبت به اصل عمل قصد ارتکاب آن را داشته باشد و نسبت به نتیجه عمل قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که این نتیجه در مسیر طبیعی حوادث پیش خواهد آمد، همچنین علم مفروض است وقتی که شخص آگاه باشد که شرایط ارتکاب وجود دارد و یا نتیجه در مسیر حوادث اتفاق خواهد افتاد. در نتیجه اگر مقام غیر نظامی آگاه باشد و احتمال زیاد بدهد که جنگ‌افزار رباتیک مستقل مرتکب جنایت جنگی می‌شود ولی با وجود عملکرد غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اعتماد این جنگ‌افزار دستور می‌دهد بدون تعبیه ایمنی کافی و اصلاح آن در جنگ به کار گرفته شود، بر اساس ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که آگاهی آن‌ها را فرض بر

علم و قصد می‌گیرد، مقام غیر نظامی در قبال جنایت جنگی که توسط این جنگ افزار ارتکاب می‌یابد مسئولیت کیفری دارد. یا اینکه جنگ افزار رباتیک مستقلاً را که فاقد استاندارد و ایمنی لازم است و قادر نیست اصول حقوق بشر دوستانه نظیر اصل تناسب، اصل تفکیک، اصل ضرورت و اصل احتیاط که در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۸ و پرتکل‌های الحاقی به آن و کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ مورد تصریح قرار گرفته‌اند را رعایت نماید، خریداری و در اختیار نیروهای مسلح قرار بدهد و ضمن به کارگیری مرتکب جنایت جنگی و نقض ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شوند، مقام غیر نظامی بر اساس اصول حمایت از انسان و انسانیت و کرامت انسانی که فلسفه پیدایش حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است و تکلیف به رعایت آن دارد و مواد ۲۵ و ۳۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مسئولیت کیفری دارد. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در بند ۲ و ۳ ماده ۳۰ تحت شرایطی وجود قصد و علم را مفروض اعلام نموده است، و به نظر می‌رسد از جرم با مسئولیت مطلق پیروی کرده است و انتساب مسئولیت کیفری به مقامات غیر نظامی را از جهت اثبات عنصر معنوی تسهیل نموده است ولی احراز رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل مجرمانه مقامات غیر نظامی و آثار جرم لازم است؛ یعنی باید رابطه سببیت بین فعل و ترک فعل مقام غیر نظامی و جنایت جنگی ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل را اثبات نمود که احراز این امر نیز به دلیل فاصله زمانی و مکانی و عدم تقرب فعل و ترک فعل مقام غیر نظامی و آثار آن که جنایت جنگی ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل است با چالش‌هایی مواجه می‌باشد.

۳-۲. مسئولیت کیفری تولیدکننده و برنامه‌ریز

از جمله عوامل دیگری که مسئولیت کیفری آنها بابت ارتکاب جنایت جنگی، جنگ افزارهای رباتیک مستقل مطرح است تولیدکننده و برنامه‌ریز می‌باشد. با توجه به اینکه تولیدکنندگان و برنامه‌ریزان جنگ افزار رباتیک مستقل، شرکت‌ها یا اشخاص حقوقی هستند و فاقد قصد مجرمانه مندرج در ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشند و همچنین در ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر این امر تأکید شده است که دیوان نسبت به جرائم

اشخاص حقیقی صلاحیت رسیدگی خواهد داشت، با این اوصاف چگونه می‌توان مسئولیت کیفری را بر شرکت‌های تولیدکننده و برنامه‌نویس جنگ افزارهای رباتیک مستقل اعمال نمود؟ به نظر می‌رسد این مساله را بر اساس ماده ۸۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که اعلام کرده است هیچ کدام از مجازات مذکور در اساسنامه، بر اجرای مجازات‌های که قوانین ملی مقرر کرده‌اند تأثیر نمی‌گذارد و همچنین ماده ۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که تصریح نموده دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری محاکم ملی است، بتوان تا حدودی حل کرد. چنانچه شرکت‌های تولیدکننده یا برنامه‌ریز جنگ افزار رباتیک مستقل در کشورهای عضو دیوان بین‌المللی کیفری هستند ثبت و فعالیت دارند و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون آن‌ها پذیرفته شده باشد، این کشورها می‌توانند این شرکت‌ها را بابت جنایت جنگی ارتکابی این جنگ افزارها که مرتبط با این شرکت‌ها است، در شرایطی تحت تعقیب قرار داده و مسئولیت کیفری را بر آنها اعمال نمایند. علاوه بر این، کشورهای عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بر مبنای ماده ۴۹، کنوانسیون اول، ماده ۵۰ کنوانسیون دوم، ماده ۱۲۹ کنوانسیون سوم و ماده ۱۴۶ کنوانسیون چهارم دارای صلاحیت جهانی برای تعقیب و رسیدگی به جنایات جنگی می‌باشند. حتی کشورهایی که عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند مانند ایران که در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته و مجازات‌هایی در ماده ۲۰ آن برای اشخاص حقوقی تعریف نموده است، بر مبنای صلاحیت جهانی ناشی از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ می‌توانند جنایات جنگی را تحت شرایطی در دادگاه داخلی خود رسیدگی نمایند. در حقوق بین‌الملل مسئولیت کیفری نسبت به نقض حقوق بشر دوستانه تحت شرایط و معیارهای خاصی اعمال می‌شود، برای اعمال مسئولیت کیفری نسبت به جنایات جنگی و نقض فاحش حقوق بشر دوستانه جنگ افزار رباتیک مستقل که به نوعی منتسب به تولیدکننده یا برنامه‌ریز است، باید این شرایط و معیارهای احراز شود. برای اثبات مسئولیت کیفری باید دو عنصر مادی و معنوی در جرم ارتکابی احراز شود. در عنصر مادی باید یکی از اعمالی که نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ می‌باشد اتفاق افتاده باشد

(ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)، یا یکی از افعالی که جنایت علیه بشریت است ارتکاب یافته باشد (ماده ۷ اساسنامه). عنصر معنوی نیز باید بر مبنای نظام حقوق داخلی کشورهای تعقیب‌کننده که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در قانون داخلی خود پذیرفته اند احراز شود. تولیدکنندگان و برنامه‌ریزان جنگ افزار رباتیک مستقل، خواه اشخاص حقوقی یا حقیقی باشند تحت شرایطی که ذکر شد می‌توانند در قبال جنایت جنگی ارتكابی جنگ افزار رباتیک مستقل مسئولیت کیفری داشته باشند. در صورتی که عنصر مادی جرم قابل انتساب به آن‌ها باشد و رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل مجرمانه تولیدکنندگان و برنامه‌ریزان با جنایت ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل برقرار شود و آگاهی داشته باشند که این جنگ افزاری که تولید کرده‌اند برای ارتكاب جنایت جنگی خاص به کار برده می‌شود، تولیدکننده و برنامه‌ریز جنگ افزار رباتیک مستقل در قبال ارتكاب جرائم جنگی آن‌ها مسئولیت کیفری دارد یا اینکه تولیدکننده و برنامه‌ریز عمداً جنگ افزاری را برای ارتكاب جرم تولید یا برنامه‌ریزی کرده باشند. در موارد مزبور تولیدکننده و برنامه‌ریز از باب معاونت در ارتكاب جرم قابل تعقیب هستند، و بر اساس بند ج ماده ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری هر نوع مساعدت و همکاری در ارتكاب جرم و تهیه ابزار ارتكاب جرم، را جرم تلقی نموده و مسئولیت کیفری دارد. ولی انتساب مسئولیت کیفری به تولیدکننده و برنامه‌نویس بابت طراحی سخت افزار و نرم افزار سامانه‌های جنگ افزاری مستقل و احراز سوءنیت آن‌ها برای اعمال مسئولیت کیفری به دلیل عدم تقرب زمانی و مکان بین فعل و ترک فعل تولیدکننده و برنامه‌ریز و جنایت جنگی ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل که از آثار فعل و ترک فعل آن‌ها است و در این میان ممکن است عوامل و اسباب مختلف رابطه سببیت بین تولیدکننده یا برنامه‌ریز و جنایت جنگی ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل را مخدوش یا قطع نماید، امری سخت و پیچیده می‌باشد.

۳-۳. مسئولیت کیفری فرماندهی

مسئولیت کیفری فرماندهان نظامی در مورد جنایات جنگی که توسط

زیردستان آن‌ها ارتکاب یافته است امروزه به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه پذیرفته شده است. براساس این قاعده فرماندهان و دیگر افراد مافوق در مقابل جنایات جنگی که توسط زیردستان واقع می‌شود، چنانچه آگاهی داشته یا دلیل بر آگاهی آنها وجود داشته باشد که زیر دستان آنها در شرف ارتکاب یا در حال انجام این گونه جنایات بوده‌اند و هرگونه اقدام منطقی و لازمی را که در حیطه قدرتشان بوده برای جلوگیری از جنایات انجام نداده‌اند، مسؤولیت کیفری دارند (پیشین، هنکرتز: ۷۸۷).

براساس مواد ۴۹، ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶ کنوانسیون‌های اول، دوم، سوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹ فرماندهان و دیگر افراد مافوق مسؤولیت کیفری دارند و دولت‌ها مکلفند بر اساس مواد مذکور کسانی که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند مورد تعقیب قرار داده و آن‌ها را از هر ملیتی که باشند تسلیم محاکم خود نمایند و یا اینکه آنها را طبق شرایط مقرر در قوانین خود برای دادرسی به یک کشور متعاقد دیگر که علاقمند به تعقیب آن‌ها باشد تسلیم نماید.

به موجب مواد ۸۶ پروتکل الحاقی اول در صورتی که مقام مافوق از نقض کنوانسیون‌ها یا این پروتکل توسط مأمور زیر دست مطلع بوده یا اطلاعاتی در دست داشته که می‌توانسته در آن شرایط این طور نتیجه‌گیری کند که آن شخص در حال ارتکاب چنین نقضی بوده یا در شرف ارتکاب آن بوده است چنانچه کلیه اقدامات ممکن را در چهارچوب اختیارات خود برای جلوگیری و مقابله با آن به عمل نیاورده است، مسؤولیت کیفری دارد. ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در این زمینه مقرر می‌دارد «یک فرمانده نظامی که عملاً وظیفه فرماندهی نظامی را انجام می‌دهد نسبت به جرائمی که توسط نیروهای تحت فرماندهی و کنترل واقعی انجام گرفته مسؤول است، در صورتی که وی کنترلی که می‌بایست در مورد نیروهای تحت امر خود اعمال کند اعمال نکرده باشد و این در مواردی است که فرمانده نظامی با توجه به اوضاع و احوال قضیه می‌دانسته یا باید می‌دانسته است که نیروهای تحت امر جرم مذکور را مرتکب شده یا قریباً مرتکب خواهند شد و یا فرمانده نظامی همه اقدامات لازم و معقولی را که در توانش بوده برای جلوگیری از جرم به عمل نیاورده است». با توجه به مقررات مذکور حتی اگر ارتکاب جنایت

جنگی بر طبق فرامین فرماندهان و دیگر افراد مافوق نبوده است، آن‌ها در مقابل جنایات جنگی که توسط زیردستان واقع می‌شود مسئولیت کیفری دارند. با امعان نظر به اینکه این مقررات برای اعمال بر یک عامل اخلاقی یا شخص طبیعی که تحت امر یا زیردست فرمانده نظامی فعالیت می‌کنند و مرتکب جنایت جنگی بشوند، فرمانده نسبت به جنایت ارتكابی آنها مسئولیت کیفری دارد حال چگونه می‌توان مسئولیت کیفری ارتكاب جنایت جنگی توسط جنگ افزارهای رباتیک مستقل را بر فرمانده بار نمود؟ براساس مقررات مذکور مسئولیت کیفری فرمانده نسبت به افراد تحت امر خود یک امر بدیهی است ولی توسعه این مسئولیت به جنایات جنگی ارتكابی توسط جنگ افزارهای رباتیک مستقل و انتساب آن به فرمانده مستلزم بررسی مساله از بعد فنی و حقوقی می‌باشد. براساس ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۸۶ پروتکل الحاقی اول، یک فرمانده نظامی در صورتی در قبال جنایات ارتكابی جنگ افزارهای رباتیک مستقل مسئولیت کیفری دارد که کنترل واقعی و مؤثری بر این جنگ افزارها داشته باشد و کنترلی را که می‌بایست در مورد آنها اعمال نماید، اعمال نکرده باشد یا آگاهی داشته یا دلیل بر آگاهی آنها وجود داشته باشد که این جنگ افزارها در جنگ مرتکب جنایت می‌شوند یا در شرف یا در حال انجام این جنایات جنگی بوده ولی از هر گونه اقدام منطقی و لازمی را که در حیطه قدرتشان بوده برای جلوگیری از جنایات انجام نداده باشد. از بعد فنی فرمانده وقتی نسبت به یک جنگ افزار رباتیک مستقل می‌تواند کنترل واقعی داشته باشد که حداقل آگاهی کافی را نسبت به برنامه نویسی این جنگ افزارها و کارکرد سخت افزاری و نرم افزاری آنها داشته باشند تا بتواند کنترل واقعی خود را نسبت به این جنگ افزارهای رباتیک مستقل اعمال نماید. با توجه به تعریف مذکور که از این جنگ افزار ارائه شده است که در هدایت به سمت هدف به طور مستقل عمل می‌نماید و نیازی به کنترل از بیرون ندارد و قادر است بر مبنای دستورات و محدودیت‌هایی که به آنها داده شده تصمیم‌گیری نمایند، همچنین فرمانده، اطلاعات و آگاهی لازم را نسبت به برنامه نویسی این جنگ افزارها ندارد و نمی‌تواند برنامه و عملیات جنگ افزارهای رباتیک مستقل را تغییر دهد به دلیل اینکه آن‌ها طراحی شده‌اند طبق برنامه‌ای که به آن‌ها

است مستقل از فرمانده عمل نمایند (Verschuren, 2012:95). لذا نمی‌توان مدعی شد فرمانده کنترل واقعی بر این جنگ افزارها را دارد، اگر هم فرمانده متوجه بشود که در شرف ارتکاب جرم قرار دارد به دلیل اینکه او کنترلی بر برنامه‌های آن ندارد و قادر نیست برای جلوگیری از ارتکاب جرم برنامه‌ی آن را تغییر دهد، در نتیجه می‌توان گفت یک فرمانده نظامی در صورتی در قبال اقدامات غیر قانونی سیستم‌های جنگ افزاری مستقل مسؤولیت کیفری دارد که اولاً کنترل واقعی و مؤثری بر این سامانه‌ها داشته باشند ثانیاً فرمانده‌ای که این سامانه‌های جنگ افزاری مستقل را به کار می‌گیرند اطلاعات و آگاهی کافی از برنامه نویسی این سامانه‌ها داشته باشد. ثالثاً انتساب عناصر مادی و معنوی جرم بر مبنای مواد ۲۵ و ۳۰ اساسنامه دیوان به فرمانده احراز شود. اگر با وجود کنترل واقعی و آگاهی که نسبت به این جنگ افزار داشته اقدامات لازم را به موجب ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در حیطه قدرتشان بوده برای جلوگیری از جنایات جنگی آن‌ها انجام نداده باشد، مسؤولیت کیفری دارد، در غیر این صورت بعید به نظر می‌رسد بتوان مسؤولیت کیفری نقض حقوق بین‌الملل بشر در دوستانه این سامانه‌ها را به خصوص در جنگ شبکه - محور^۱ بر فرمانده نظامی اعمال نمود.

1- Network centric warfare

برآمد

تولید و توسعه جنگ افزارهای رباتیک مستقل نظام مسؤولیت اعم مدنی و کیفری را با چالش‌هایی مواجه ساخته است و مسؤولیت به مفهوم کلاسیک آن به سادگی بر عملکرد آن‌ها قابل اعمال نمی‌باشد و برای انتساب مسؤولیت مدنی و کیفری در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه جنگ افزارهای رباتیک مستقل، عوامل مختلفی ذی‌مدخل هستند که هر یک به نوعی عملیات آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند از جمله این عوامل دولت و مقامات غیر نظامی، تولیدکنندگان، برنامه‌ریزان و فرماندهان نظامی می‌باشد.

دولت‌ها به هر حال در قبال آثار زیان‌آور ناشی از نقض قواعد حقوق بشر دوستانه جنگ افزارهای رباتیک مستقل که به کار می‌گیرند و منتسب به آنهاست بر اساس قاعده کلی حقوقی حاکم بر مسؤولیت بین‌المللی دولت و ماده ۷ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت سال ۲۰۰۱ و ماده ۹۱ پروتکل الحاق اول ۱۹۷۷ مسؤولیت مدنی دارند و اگر هم سوء‌کارکرد و نقض حقوق بشر دوستانه این جنگ افزارها مستقیماً به دولت‌ها قابل انتساب نباشد، بر مبنای مسؤولیت بدون تقصیر می‌تواند مسؤولیت مدنی پیدا نماید. ولی مقامات غیر نظامی دولت در صورتی در قبال جنایات جنگی جنگ افزار رباتیک مسؤولیت کیفری دارند که ضمن اثبات عنصر معنوی جرم تحت شرایط ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، رابطه سببیت بین اعمال و تصمیمات و یا عدم تصمیمات مناسب مقامات غیر نظامی و جنایات جنگی که از آثار تصمیمات و دستورات آن‌ها می‌باشد بر مبنای ماده ۲۵ اساسنامه دیوان احراز شود. هر چند احراز رابطه سببیت به دلیل فاصله زمانی و مکانی و عدم تقرب تصمیمات مقامات غیر نظامی و آثار آن که جنایت جنگی ارتكابی توسط جنگ افزار رباتیک مستقل است امری سخت و پیچیده است. چنانچه نقض قواعد حقوق بشر دوستانه و جنایت جنگی جنگ افزارهای رباتیک مستقل، ناشی از نقض در تولید یا برنامه‌نویسی با عدم رعایت معیارهای ایمنی و استانداردها باشد و قابل انتساب به تولیدکننده و برنامه‌ریز باشد پس از اثبات تقصیر بر مبنای مسؤولیت مبتنی بر تقصیر تولیدکننده یا برنامه‌ریز مسؤولیت مدنی دارند. در صورتی که خسارت وارده ناشی از نقض مقررات حقوق بشر دوستانه جنگ افزارهای

ریاتیک مستقل قابل اثبات و انتساب به تولیدکننده یا برنامه ریز باشد بدون اثبات تقصیر از باب مسؤولیت بدون تقصیر، تولیدکننده یا برنامه ریز مسؤولیت مدنی دارد. ولی اعمال مسؤولیت کیفری نسبت به اشخاص حقوقی و شرکت های تولیدکننده و برنامه ریز این جنگ افزارها با توجه با اینکه دیوان کیفری بین المللی صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی را دارد مستلزم این است که کشورهایی که مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را در قانون خود پذیرفته اند بر مبنای صلاحیت جهانی که کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ به ترتیب در مواد ماده ۴۹، ۵۰، ۱۲۹ و ۱۴۶ برای کشورها جهت رسیدگی به جنایات جنگی ارتكابی به رسمیت شناخته است، این شرکت ها را بابت جنایت جنگی ارتكابی جنگ افزار ریاتیک مستقل که به نوعی به آنها منتسب است تحت تعقیب قرار دهند و مسؤولیت کیفری را نسبت به آن ها اعمال نمایند، یا به کشور دیگری که علاقمند به تعقیب آنهاست تسلیم نمایند. برای اعمال مسؤولیت مدنی نسبت به فرمانده نظامی در قبال خسارات وارده توسط جنگ افزار ریاتیک مستقل، معیار کنترل واقعی و مؤثر فرمانده نظامی بر این جنگ افزارها براساس ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است. وقتی می توان ادعا کرد که فرمانده بر جنگ افزارها کنترل واقعی دارد که نسبت به کارکرد فنی و برنامه ریزی آن ها از هر بعد به موجب ماده ۸۶ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ آگاهی کافی داشته باشد که به تبع آن بتواند کنترل مؤثری را بر آن ها اعمال نماید و در نتیجه در قبال ضرر و زیان آن ها نیز بر اساس ماده ۷۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مسؤولیت مدنی داشته باشد. ولی با توجه به این که این جنگ افزارها ساخته شده اند تا به طور مستقل عمل نمایند و بر مبنای برنامه و دستورات و محدودیت هایی که به آن ها داده شده تصمیم گیری می نمایند، لذا به نظر نمی رسد فرمانده کنترل واقعی بر این جنگ افزارها داشته باشد تا بابت آثار زیان بار آنها مسؤولیت مدنی داشته باشد. در خصوص مسؤولیت کیفری فرمانده علاوه بر کنترل مؤثر و آگاهی فرمانده نسبت به این جنگ افزارها که ذکر آن رفت، اثبات عنصر معنوی و انتساب عناصر مادی جرم بر مبنای مواد ۲۵ و ۳۰ اساسنامه دیوان به فرمانده باید احراز شود. اگر فرمانده با وجود کنترل واقعی و آگاهی که نسبت به این جنگ افزار داشته، اقدامات لازم را به موجب ماده ۲۸ اساسنامه دیوان

کیفری بین المللی که در حیطه قدرتشان بوده برای جلوگیری از جنایات جنگی آن ها انجام نداده باشد مسئولیت کیفری دارد، در غیر این صورت بعید به نظر می رسد بتوان مسئولیت کیفری نقض حقوق بین الملل بشر دوستانه این جنگ افزارها را بر فرمانده نظامی اعمال نمود.

منابع

- اسماعیل نسب، حسین (۱۳۹۳)، *مجموعه مهمترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل*، تهران، انتشارات جنگل
- احدی، فاطمه (۱۳۸۹)، *مفهوم و مبانی و قلمرو جرائم با مسؤولیت مطلق*، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۵
- بادینی، حسن؛ شعبانی کندسری، هادی؛ دادپور، سجاد، (۱۳۹۱)، *مسؤولیت محض، مبانی و مصادیق*، مجله حقوق تطبیقی دوره ۳، شماره ۱
- قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷)، *الزام ها و مسؤولیت بدون قرارداد*، تهران، نشر میزان
- قربان نیا، ناصر (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد (۱۳۹۰)، *مسؤولیت بین المللی دولت*، (مترجم: علیرضا ابراهیم گل) تهران، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۸۷)، *حقوق بین المللی بشر دوستانه عرفی* (ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه و کمیته بین المللی صلیب سرخ)، تهران، انتشارات مجد
- Anthony Finn and Steve Scheduling (2010), *Developments and Challenges for Autonomous Unmanned Vehicles*, Berlin, Springer Publication
 - Beard, Jack M (2014), *AUTONOMOUS WEAPONS AND HUMAN RESPONSIBILITIES*, GEORGETOWN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, vol.45
 - Allhoff .Fritz, Nicholas G. Evans, Adam Henschke (2013), *Ethics and War: Just War Theory in the 21st publisher: Routledge*, p 388, 2013

- Coeckelbergh, Mark (2011), From Killer Machines to Doctrines and Swarms, or Why Ethics of Military Robotics Is not (Necessarily) About Robots, *Philosophy & Technology*, Volume 24, Issue 3, pp 269-278
- Grut, Chantal (2013), *The Challenge of Autonomous Lethal Robotics to International Humanitarian Law*, *Journal of Conflict & Security Law*; Spring 2013, Vol. 18 Issue
- Heyns, christof (2013).”*Report of the special Rapporteur on extrajudicial summary Arbitrary executions*” <https://www.justsecurity.org/wp-content/uploads/2013/10/UN-Special-Rapporteur-Extrajudicial-Christof-Heyns-Report-Drones.pdf>
- Herman, Olivia (2013) *Rise of drones a study on the legality of drone targeted killings of suspected terrorists*, <http://www.scriptiebank.be/sites/default/files/webform/scriptie/MasterThesisOliviaHerman.pdf>
- Leveringhaus, Alex and Giacca Gilles, (2014), *Robo-Wars the regulation of robotic Weapons*, <http://www.oxfordmartin.ox.ac.uk/downloads/briefings/Robo-Wars.pdf>
- of Physics and Technology, <http://www.armscontrol.ru/UAV/UAV-report.pdf>
- Sparrow, Robert (2007) *Killer Robots*, *Journal of Applied Philosophy*, Volume 24, Issue 1, pages 62–77, February 2007
- Schmitt, Michael, (2013), *Autonomous Weapon Systems and International Humanitarian Law*. A Reply to the Critics, *Harvard National Security Journal Features*, 2013
- Schmitt. Michael and Tharnher. Jeffrey (2013), *out of the Loop: autonomous weapon systems And the the Law of Armed conflict*, *Harvard national security journal*, vol.4

- singer.p.w (2009) *Wired for War: The Robotics Revolution and Conflict in the Twenty-first Century*, penguin press
- Veruggio, Gianmarco and Operto, ***Fiorella (2006) Roboethics: a Bottom-up Interdisciplinary Discourse in the Field of Applied Ethics in Robotics***
- Verschuren, Sanne (2012), *THE DEVELOPMENT OF UNMANNED WEAPONS AND THE CHALLENGES FOR INTERNATIONAL LAW*, <http://www.scriptiebank.be/sites/default/files/webform/scriptie/Master%20Thesis%20The%20Development%20of%20Unmanned%20Weapons%20and%20the%20Challenges%20for%20International%20Law%20Sanne%20Verschuren.pdf>
- Venkatesh, Sai (2019), *Legality of Autonomous Weapons Systems and their Implications on Existing International Humanitarian Law Principles Approach*, *Groningen Journal of International Law*, vol 7(1), 2019
- Weizmann, Nathalie (2014), *Autonomous Weapon Systems under International Law*, http://www.genevaacademy.ch/docs/publications/Briefings%20and%20In%20breifs/Autonomous%20Weapon%20Systems%20under%20International%20Law_Academy%20Briefing%20No%208.pdf
- Wagner, Markus (2013) *Autonomy in the Battlespace: independently Operating Weapon Systems and the Law of Armed Conflict*, *International Humanitarian Law and the Changing Technology*, Volume 41, pp 99-122

Responsibility in The Use of Independent Robotic Weapons

Abbas Basiri

In the last decade, the use of robotic weapons has increased. So that future armed conflicts are described by increasing use and reliance on military robots. The development of these weapons as one of the new achievements of humanity has challenged internationally the legal and criminal liability system. Our aim in this research is to study the legal and criminal liability of the use of robotic weapons. the liability, whether legal or criminal, must be assigned to a person for the illicit use of a robotic weapon in a chain of technical and human factors that can affect the operation of a robotic weapon, and all the factors in determining the responsibility of a person must be considered. Particularly, the criminal liability for illegal acts of independent robotic military systems is more challenging for those who need to be proved of their intentional, About the military commander, in order to exercise Criminal liability, her effective control must be exercised according to her knowledge of the technical operation and planning of these weapons. Given that the planning of these weapons is not with the commander and they are designed to act independently and decide based on the program and instructions and restrictions given to them. It is unlikely that the commander will be able to take the necessary measures to prevent their war crimes and be held criminally liable for them.

Keywords: Criminal liability, independent robotic weapons, Humanitarian law, Legal liability, Humanitarian rules